

فروید

(ویراست دوم)

جاناتان لیر

ترجمه

مجتبی جعفری و علیرضا طهماسب

فرهنگ‌نشرنو

با همکاری نشر آسیم

تهران-۱۳۹۹

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار مترجمان
۳۷	پیش‌گفتار ویراست دوم
۴۱	گاه‌شماری

درآمد: گفت‌وگوی غریب / ۴۹

۵۰	۱. قاعده بنیادین فروید
۶۴	۲. روایتی شایسته از روان‌شناسی اخلاق
۶۷	۳. «اخلاق‌ستیزی» روان‌کاوی
۶۹	۴. صداقت
۷۵	۵. انگیزه برابری خواهی
۷۹	۶. سفر زندگی
۸۰	۷. درآمدی فلسفی برای غیرفلسوفان

فصل اول: تأویل ناهشیار / ۸۷

۸۸	۱. تحلیل روان
۹۰	۲. ذهن دوم؟
۹۶	۳. ترس و لرز و کاناپه روان‌کاوی

فصل چهارم: انتقال / ۲۰۳

۲۰۳	۱. طرح مفهوم انتقال
۲۰۶	۲. دورا
۲۱۰	۳. طبقه‌ای ویژه از ساختارهای روانی
۲۱۳	۴. انتقال به‌منزله فروپاشی دنیای شخصی
۲۱۹	۵. انتقال و تأویل رؤیا
۲۲۳	۶. از تکرار تا یادآوری
۲۳۵	خلاصه
۲۳۶	برای مطالعه بیشتر

فصل پنجم: اصول کارکرد ذهن / ۲۳۹

۲۳۹	۱. اصل لذت و اصل واقعیت
۲۴۲	۲. روی‌گردانی از واقعیت
۲۴۷	۳. فضیلت و neurtue (فضیلت نورویتیک)
۲۵۰	۴. دگرسوی اصل لذت
۲۵۵	۵. تکرار اجباری
۲۵۸	۶. سائق مرگ
۲۶۱	خلاصه
۲۶۲	برای مطالعه بیشتر

فصل ششم: ساختار روان و زایش روابط «موضوعی» / ۲۶۵

۲۶۵	۱. اجزای نفس نزد افلاطون
۲۶۸	۲. ماتم و ماخولیا
۲۷۳	۳. خود و دیگری
۲۷۵	۴. تولد روانی کودک
۲۸۲	۵. همانندسازی
۲۸۴	۶. عقده ادیپ
۲۸۷	۷. سوپرایگو

۱۰۷	۴. ناهشیار بی‌رمز و راز
۱۰۹	۵. ناهشیار چگونه از دایره توجه ما می‌گریزد؟
۱۱۲	۶. ناهشیار بی‌زمان
۱۱۹	۷. ناهشیار و پرسش بنیادین
۱۲۲	خلاصه
۱۲۳	برای مطالعه بیشتر

فصل دوم: میل جنسی، اروس و زندگی / ۱۲۵

۱۲۵	۱. میل جنسی را در این میانه چه کار؟
۱۳۳	۲. پنهان‌شدن میل جنسی در پس درد جسمانی
۱۴۳	۳. دست‌کشیدن از نظریه اغوا
۱۴۶	۴. نظریه‌ای درباب میل جنسی
۱۵۸	۵. میل جنسی در خردسالان
۱۶۳	۶. اروس و حکمت عملی
۱۶۶	خلاصه
۱۶۷	برای مطالعه بیشتر

فصل سوم: تأویل رؤیا / ۱۶۹

۱۶۹	۱. شاهراه ناهشیار
۱۷۲	۲. اصول تأویل رؤیا
۱۷۶	۳. تأویل فروید از خود
۱۸۵	۴. رؤیا به‌منزله فعالیت
۱۸۸	۵. رؤیا سرآغاز مسئولیت است
۱۹۰	۶. فرایند اولیه
۱۹۵	۷. تحقق آرزوها
۱۹۹	۸. میدان رؤیا
۲۰۱	خلاصه
۲۰۲	برای مطالعه بیشتر

۲۹۱	۸. تبارشناسی
۲۹۵	خلاصه
۲۹۶	برای مطالعه بیشتر

فصل هفتم: اخلاق و مذهب / ۲۹۹

۲۹۹	۱. ادعای نامهای بر ضد اخلاق
۳۰۷	۲. نظام اخلاق
۳۱۰	۳. لذت در برابر شادکامی
۳۱۱	۴. نقد باورهای مذهبی
۳۱۵	۵. وهم یک آینده
۳۱۹	۶. جنایت نخستین
۳۲۳	خلاصه
۳۲۴	برای مطالعه بیشتر

۳۲۷	سخن پایانی: بیان آزاد و مسئولیت
۳۳۷	واژه‌نامه
۳۴۷	یادداشت‌ها
۳۹۳	کتاب‌نامه
۴۰۷	نمایه

پیش‌گفتار مترجمان^۱

«به‌هنگام روان‌کاوی، باید بر آنچه تاکنون از فرط روشنی به چشم نیامده است پرتوی از تاریکی محض افکند، تا در تاریکی‌اش هرچه بیشتر به چشم آید».

از مکاتبات فروید با لو آندره‌تاس سالومه
(به نقل از، گروتستاین، ۲۰۰۷)

دیری است که دیگر روان‌کاوی آن نیروی فائق معرفتی و پزشکی و فرهنگی پیشین نیست. شرکت‌های معظم داروسازی و DSM-5^۲ و درمان‌های شناختی رفتاری و شرکت‌های بیمه قلمرو سلامت روان را در مغرب‌زمین زیر سلطه گرفته‌اند، و باور به نیروی دگرگون‌کننده و شفابخش گفت‌وگو

۱. در نگارش بخشی از این پیش‌گفتار، از این منبع بهره جسته‌ایم:

Lear, J. (2005). *Philosophy*. in E. S. Person, A.M. Cooper & G. O. Gabbard (Eds.). *Textbook of psychoanalysis* (PP.513-523). Washington DC: American Psychiatric Publishing, Inc.

2. *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*, 5th Edition:

راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (ویراست پنجم).

خوانندگان را یاری رساند تا، به‌رغم رسم زمانه، این واقعیت را دریابند که روان‌کاوی فروید، برای حیات آدمی و سنت‌هایی فلسفی که در فهم آن کوشیده‌اند، همچنان واجد اهمیت است.

سپاسگزاری

سپاسگزاری می‌کنم از دانشجویانم در دانشگاه شیکاگو و همکارانم در کمیته اندیشه اجتماعی و گروه فلسفه: آنان فضایی عالی برای پرسشگری و پژوهش فراهم آوردند. با بسیاری از آنان^۱ گفت‌وگوهایی دیرپا درباره روان‌کاوی و فلسفه داشته‌ام و قدردان یکایک آنانم. ایشان بخش‌هایی از کتاب را خواندند و به نکات مفیدی اشاره کردند. افزون بر پژوهش و تدریس، طی چند دهه گذشته در جلسات روان‌کاوی خود میزبان درمان‌جویان متعدد بوده‌ام. در این فرایند بود که توان فهم و تأویل آرای فروید را یافتم و نیز به قضاوتی درباب موارد توافق و عدم توافق با او رسیدم. عمیقاً قدردان بنیاد اندرو ملون هستم که جایزه دستاورد ممتاز ایشان زمانی را برای پژوهش و نگارش این ویراست دوم در اختیارم گذارد. سرانجام سپاس خود را با عشق به خانواده‌ام تقدیم می‌دارم.

گاه‌شماری

- ۱۸۵۶ (۶ مه): زیگیسموند شلومو فروید در فرایبرگ^۱، در موراویا^۲ (اکنون پریبور^۳ در جمهوری چک)، زاده شد.
- ۱۸۶۰-۱۸۵۹: خانواده فروید، تاحدی به‌سبب گرفتاری مالی، نخست به لایبتسش^۴ و سپس به وین نقل مکان می‌کنند.
- ۱۸۷۳: به دوستی می‌نویسد تصمیم گرفته که به دانشگاه حقوق نرود و عالم علوم طبیعی شود. او با درجه ممتاز از گومنازیوم^۵ (دبیرستان) فارغ‌التحصیل می‌شود.
- ۱۸۸۰-۱۸۷۵: در دانشگاه وین به تحصیل مشغول می‌شود: جانورشناسی را زیر نظر کارل کلاوس^۶ (پیرو داروین)، فیزیولوژی را زیر نظر ارنست بروکه^۷ و فلسفه ارسطویی را زیر نظر فرانتس برنتانو می‌آموزد.
- ۱۸۸۱: به درجه دکتری در طب دست می‌یابد. به آپارتمان شماره ۱۹ خیابان برگاسه^۸ نقل مکان می‌کند.
- ۱۸۸۲: با مارتا برنایس^۹ نامزد می‌کند. به بیمارستان عمومی در وین می‌پیوندد و در درمانگاه روان‌پزشکی تئودور ماینرت^{۱۰} به کار مشغول می‌شود.

1. Freiberg	2. Moravia	3. Pribor	4. Leipzig
5. Gymnasium	6. Carl Claus	7. Ernst Brücke	8. Berggasse
9. Martha Bernays	10. Theodor Meynert		

۱. نام کسان در اینجا حذف شده است. - م.

درآمد

گفت و گوی غریب

مرا هنوز یارای آن نیست تا خود را بدان‌گونه بشناسم که کتیبه پرستشگاه دلفی فرمان می‌دهد؛ و تا این فرمان را در نیابم پرداختن به دیگر امور در نظرم سخت خنده‌آور می‌نماید... آیا هیولایی‌ام غریب‌تر و درنده‌تر از توفون، یا حیوانی‌ام اهلی و رام با سرشتی خدای‌گونه و آرام؟

سقراط در رساله فایدروس^۱ افلاطون^۱

همان‌گونه که پیشتر، تا بدان‌جا که گمانمان می‌رسید، به عالم افلاک پرداختیم، حال تا آنجا که در توانمان است به حیوانات می‌پردازیم، بی‌آنکه هیچ‌یک از آنها را، هرچند ناچیز، از قلم بیندازیم. زیرا اگر برخی حیوانات را از موهبت افسون‌حواس ما بهره‌ای نیست، باز هم طبیعت، که آفریننده آنهاست، از مطالعه آنها لذتی بی‌اندازه ارزانی کسانی می‌کند که پیوندهای علی را درمی‌یابند و طبعی فلسفی دارند... بنابراین نباید، چون کودکان، از سرِ اکراه، از بررسی مخلوقات بی‌مقدار تن‌زنیم. پهنه طبیعت

در مجموع چندان اهمیتی ندارد که درمان را با چه موضوعی آغاز کنیم - خواه این موضوع سرگذشت بیمار باشد یا شرح ناخوشی‌های او یا خاطرات کودکی‌اش. باری، بیمار باید رها باشد تا حرف بزند و خود انتخاب کند که از کجا آغاز کند... تنها چیزی که در این میان بیمار باید مراعات کند، همین قاعده بنیادین روان‌کاری است. از آغاز باید این را به بیمار گوشزد کرد: «یک نکته دیگر پیش از اینکه شروع کنید. چیزهایی که به من می‌گویید از جهتی باید با گفت‌وگوهای معمول متفاوت باشد. معمولاً سعی می‌کنید رشته کلام از دستتان در نرود و افکار مزاحم و موضوعات فرعی به ذهنتان خطور نکند، طوری که خیلی از موضوع پرت بیفتید. اما اینجا باید طور دیگری عمل کنید. باید توجه داشته باشید که وقتی چیزی را نقل می‌کنید، افکار گوناگونی به ذهنتان می‌رسد که بنا بر ملاحظات خاصی می‌خواهید آنها را کنار بگذارید. وسوسه می‌شوید به خود بگویید که این یا آن موضوع بی‌ربط است، یا اساساً اهمیتی ندارد، یا بی‌معنی است، پس نیازی نیست گفته شود. هرگز به این ملاحظات تن ندهید و حرفتان را بزنید - درحقیقت، دقیقاً چون از گفتنش احساس ناخوشایندی دارید، باید حرفتان را بزنید. بعدها پی‌می‌برید و می‌فهمید که چرا این یگانه قاعده‌ای است که باید از آن تبعیت کنید. پس هرچه به ذهنتان خطور می‌کند بگویید. طوری عمل کنید که انگار مسافری هستید نشسته در کنار پنجره واگن قطار و چیزی را که در بیرون می‌گذرد برای کسی که درون واگن است توصیف می‌کنید. در آخر، هرگز فراموش نکنید که قول داده‌اید کاملاً صادق باشید و چیزی را به‌صرف آنکه، به هر دلیلی، گفتنش برایتان ناخوشایند است، از قلم نیندازید.»^[۲]

چه‌بسا قواعد دیگری هم باشد - مثل حضور به‌موقع در جلسه و پرداخت صورت‌حساب و دراز کشیدن روی کاناپه - که از منظر فروید فرع بر اصل‌اند. مقصود از وضع این قواعد تدارک و تداوم محیطی است که در

سراسر شگفتی است: و نقل است آن‌گاه که چند غریبه به دیدار هراکلیتوس آمدند و او را کنار تنور مطبخ، مشغول گرم کردن خویش یافتند، تردید کردند که به درون روند یا نه، او ایشان را امر کرد که وارد شوید و نهراسید، زیرا حتی خدایان نیز در این مطبخ حاضر بوده‌اند، پس بایسته است، بی‌هیچ کراهت، به مطالعه همه مخلوقات خطر کنیم؛ زیرا هریک و همگی، برای ما از چیزی طبیعی و زیبا پرده برمی‌گیرند.

ارسطو، اجزای حیوانات^[۲]

در همان روزگاری که آنتیفون همچنان خویش را به شعر مشغول می‌داشت، برای شفای آلام روان روشی ابداع کرد که با درمان کسالت جسمی به دست طبیب تفاوتی نداشت؛ او شفاخانه‌اش را نزدیک میدان اصلی کورینت^۱ بنا کرد و اعلانی بر آن چسباند بدین مضمون که با گفت‌وگو آلام را درمان می‌کند و با غور در دلایل آلام ایشان، بیماران را تسکین می‌دهد. اما او این حرفه را دون شأن خود دانست، پس به حرفه سخنوری خود بازگشت.

پلوتارک دروغین، زندگی ده سخنور^[۳]

۱. قاعده بنیادین فروید

در آغاز، کسی از دیگری کمک می‌خواهد. آن دیگری پس از اندکی گوش‌سپردن و طرح پرسش‌هایی، می‌گوید می‌تواند کمک کند، و این قاعده درمانی را برای او شرح می‌دهد: سعی کن، بدون هرگونه بازداری و سانسور خود، هرچه به ذهنت می‌رسد بازگو کنی. فروید این را قاعده بنیادین^۴ روان‌کاری نامید. او در ۱۹۱۳ تکنیکش را چنین توصیف کرد:

1. parts of animals

2. Corinth

3. Lives of the Ten Orators

4. fundamental rule